



هنر در ساحل همیشه آفتابی

گفت‌وگو با دبیران هنر
استان بوشهر

هیئت تحریریه رشد آموزش هنر

اشاره

هنر و آموزش هنر در آینه فرهنگ و محیط اجتماعی دارای جاذبه‌هایی است که مطالعه و بررسی آن برای هر پژوهشگری دلچسب و گوارا خواهد بود. تنوع اقلیمی ایران و به تبع آن تنوعی از زیرمجموعه‌های هنری پایا در فرهنگ اصیل ایرانی، خوشبختانه، سرمایه‌ای بسیار غنی از داشته‌های دلنشین را در سطح کشور برای ما فراهم آورده است. بارها نوشته‌ایم که سیالیت هنر به‌گونه‌ای است که اگر شیوه‌های آموزش آن بر بستر محیط اجتماعی و فرهنگی هر اقلیم با ابتکارات و خلاقیت دبیران هنر همراه شود شکوفایی بسیار به همراه خواهد آورد. این نکته مهم و ویژگی برجسته‌ای است که برای القای لطافت‌های هنری در روح و جان دانش‌آموزان، می‌تواند دست‌مایه دبیران ارجمند هنر در سراسر ایران باشد. این بار در گفت‌وگویی صمیمانه که با دبیران هنر استان بوشهر انجام داده‌ایم، به واکاوی و شناخت بهتر تلاش این بزرگواران پرداخته‌ایم که اینک به تلخیص آن را تقدیم شما خوانندگان محترم می‌نماییم. از سرکار خانم رضوانی سرگروه هنر استان بوشهر و همکاران گرامی آموزش و پرورش که زمینه‌ساعدی برای انجام این گفت‌وگو فراهم کردند کمال تشکر به عمل می‌آید.



در مجله رشد آموزش هنر ما خیلی علاقه‌مندیم که دامنه کار را وسعت دهیم و از تهران‌زدگی پرهیز کنیم. فکر می‌کنم با سرمایه بسیار غنی که در استان بوشهر وجود دارد، هم به لحاظ هویت تاریخی و هم به لحاظ غنای فرهنگی، درس هنر زمینه مستعدی داشته باشد اما اینکه در عمل چه اتفاقی می‌افتد، بحث دیگری است. درس هنر به‌عنوان مبحثی بسیار ظریف با گوشه‌های روح انسان مرتبط است و با سرمایه و غنایی که در شهر بوشهر از دریا و آب‌وهوای لطیف و غیره گرفته است، باید روایت متفاوتی از همکاران خوب در کلاس‌های هنر داشته باشیم. مهم‌ترین تجربه‌ای که از سفرهای استانی اندوخته‌ام، این بود که دیدم همکاران تدریس هنر را بر بستر ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی استان خودشان استوار کرده‌اند. به همین دلیل، می‌بینیم در هر دیاری هنر و تدریس آن رنگ و بوی خاص خود را دارد. اینکه کتاب درسی از مرکز می‌آید و شما آن را در شهر خودتان با حال و هوای محلی هماهنگ و سازگار می‌کنید، به ابتکار خود شما برمی‌گردد. خواهش من این است که با استفاده از مجله رشد آموزش هنر که رسانه آموزشی جدی در عرصه تعلیم و تربیت هنری است، از تجارب همکاران در سرتاسر کشور استفاده کنیم. لذا ضمن تشکر، سرکار خانم رضوانی (سرگروه هنر استان) اطلاعات اولیه را ارائه کنند.

ماندانا رضوانی

عزیزانی که در اینجا حضور دارند می‌دانند که اهمیت درس هنر برای خود ما چقدر زیاد است. مشکل خیلی از همکاران ما این است که به دروس پایه و تخصصی و فنی اهمیت بیشتری داده می‌شود. هر چند دوست ندارم این مسئله را بیان کنم ولی امیدوارم هیچ‌گاه درس هنر فدای دروس دیگر نشود. مورد دیگر این است که متأسفانه تعداد دبیران تخصصی ما کم است.

چه تعدادند؟

رضوانی

از کل ۶۰ نفری که هنر تدریس می‌کنند، فکر نمی‌کنم یک‌چهارم آن‌ها متخصص باشند. نیروی تخصصی کمتر داریم. البته در

هنرستان‌ها فکر نمی‌کنم این مشکل را داشته باشیم. همان‌طور که خودتان هم فرمودید، کتاب هنر در گذشته به دو بخش طراحی و نقاشی و خوشنویسی محدود بود. از ابتدایی این‌گونه بود که دبیران کاغذ جلوی دانش‌آموز می‌گذاشتند و می‌گفتند نقاشی بکشید. من خوشحالم که این مسئله رو به بهبود است و به نسبت به درس هنر اهمیت و بها داده می‌شود. ساختار تألیف کتب گسترده شده است. شاخه‌های هنری زیادی داریم. در همایشی که در بیرجند برگزار شد و همکاران حضور داشتند، سرگروه‌های تمام استان‌ها این مسئله را مطرح کردند که وقتی کتاب چندرشته‌ای می‌شود، کار قدری مشکل می‌شود. وقت کم می‌آید و همه این مسئله را دارند؛ چون هر کدام از رشته‌های هنر نیازمند زمان زیادی است تا آموزش‌گیرنده تخصص پیدا کند ولی این‌طور که پیدا بود، هدف این نیست که از دانش‌آموزان هنرمند بسازیم و آشنا کردن دانش‌آموزان کفایت می‌کند. نه دانش‌آموزان توقعی از ما دارند و نه کتاب چنین هدفی دارد؛ فقط باید آشنا شوند. بهتر است در استان‌ها این کار به شکل تخصصی درباره هنر صورت گیرد. خوشبختانه در استان، برنامه عملیاتی دبیرخانه کشوری را به ما دادند که طراحی درس آزاد با موضوع یکی از هنرهای استان بود. من با چند تن از همکاران نشستیم برای این کار داشتیم و موضوعی که انتخاب شد «موزه‌ها» بود که جزء موضوعات پیشنهادی ما بود. البته من موضوعات پیشنهادی دیگری هم داشتم. پیشنهاد اول من دست‌سازهایی بود که با استفاده از سرمایه‌های استانی‌ای که داریم ساخته می‌شود، دست‌سازهایی از برگ درخت خرما، عباپافی و کارهای دستی. پیشنهاد دوم من هنرهای آوایی بود که خیلی از این نظر اینجا سرمایه‌دار هستیم. مورد سوم هم میراث فرهنگی بود که یکی از شاخه‌های آن، موزه‌ها بود. ما فرستادیم و آن‌ها این را انتخاب کردند. الان همکاران در تلاش‌اند که طراحی درس آزاد در این زمینه داشته باشند. در بازدیدهایی که می‌رویم، در نمایشگاه‌ها و بازارچه‌ها استفاده زیادی از درس‌های کار و فناوری و هنر می‌شود و این در مناطق خیلی زیاد است. من از این بابت ذوق دارم که مناطق می‌توانند از سرمایه‌هایی که دارند استفاده کنند. همان‌طور که در بازدید از کنکان دیدیم، خیلی از چیزهایی که ساخته بودند از داشته‌های همین استان بود. این نکته را بیان کنم

که ما گروه تقریباً ۶۰ نفره‌ای داریم که از طریق فضای مجازی با هم در ارتباطیم؛ چون سخت است مرتب بخواهیم نشست و جلسه برگزار کنیم.

اکولوژی استان منظور است؟

❁ فولادینیا بلی، اکولوژی استان و بافت سنتی بوشهر و معماری ساختمان‌های آن برگرفته از هنرهای اصیل ایرانی است. دروازه تمدن ایران بوشهر بوده است، موسیقی زیبای بوشهر که جایگاه خاص خود را دارد. ما بیابان‌ها و کوه‌هایی داریم که با باد و باران فرسایش یافته و اجسام شکیل و افسانه‌ای را ساخته‌اند و از آنجا می‌توان دریا را هم دید. جزیره‌های بکر و دست‌نخورده داریم که فقط جانوران در آن‌ها زیست می‌کنند. به نخل هم خانم رضوانی اشاره کردند که از تمام قسمت‌هایش استفاده می‌شود. هیچ چیز نخل دورریختنی نیست. هر قسمت هم اسمی دارد؛ اسمی که شاید خیلی از آن‌ها را نشنیده‌اید. صنعت عبابافی داریم که قیمت آن در ایران و کشورهای دیگر ۳-۲ میلیون تومان است و از پشم شتر بافته می‌شود. مردم بوشهر در یک کلام زیبایی دوست هستند. برای زیبایی ارزش قائل‌اند و برای همین، هنر را هم دوست دارند. هنر صدف‌آرایی یکی از هنرهایی است که همکاران می‌توانند روی آن‌ها کار کنند. هنر پوست‌آکنی (تاکسیدرمی) هم در بوشهر جایگاه خاصی دارد. ذهن همکاران را به‌سوی داشته‌ها سوق می‌دهم. شعرای خوبی داریم که شعرهای نابی می‌گویند؛ مرحوم منوچهر آتشی از جمله این‌ها بود.

❁ عبدالله فرخ‌نژاد در منطقه سعدآباد برازجان دبیر تخصصی هنر هستیم. فوق‌دیپلم هنر دارم و یک سال دیگر بازنشسته می‌شوم.

در هنر بازنشستگی نداریم. بعد از بازنشستگی تولید هنری شما شروع می‌شود. ❁ فرخ‌نژاد علاقه زیادی به هنر دارم و کار عکاسی می‌کنم. خط ریزودرشت را به‌طور جدی در کلاس کار می‌کنم. سعی می‌کنم هیچ جلسه‌ای از دست نرود و بتوانم چیزی به دانش‌آموزان یاد دهم.

به نظر شما که نزدیک به سه دهه تدریس کرده‌اید، برای اینکه دانش‌آموزان از هنر لذت ببرند چه باید کرد؟

❁ فرخ‌نژاد من بیشتر سعی دارم کلاس را آزاد اداره کنم. بیشتر مدیران هم گله‌مندند که کلاس شما سروصدا دارد. همان‌طور که در دانشگاه

۶۰ نفر از دبیران هنر هستند؟

❁ رضوانی بله. من مایل بودم همه عضو باشند چون برخی از دوستان اذعان داشتند ۲۴ ساعت ما هنر نیست و هنر را در کنار دروس دیگر تدریس می‌کردند اما برای من آن کسی که دو ساعت تدریس هنر داشت همان‌قدر حضورش لازم بود، که فردی که ۲۴ ساعت هنر تدریس می‌کند. من تمایل به تعامل با این‌ها داشتم. به همین دلیل، تا آخرین لحظات روزبه‌روز به نیروهای ما افزوده می‌شود. خوشحالم که دبیران کارهای خود و آثار دانش‌آموزان را در این گروه به اشتراک می‌گذارند و آگاه می‌شویم و استفاده می‌کنیم. ایمان دارم هر چه این مدت دارم استفاده از کارها و آثار همکاران و دانش‌آموزان این عزیزان است. هم وبلاگ و هم سایت گروه را در اختیار همکاران قرار داده‌ام. از دوستان توقع زیادی ندارم؛ چون می‌دانم گرفتاری‌ها زیاد است. ان‌شاءالله بعد از این بیشتر با هم همکاری داشته باشیم. درخواست کردم که هر کسی در هر حدی کاری برای دبیرخانه انجام دهد. کما اینکه خودم با دبیرخانه در ارتباطم و فیلم آموزشی و مقاله از خود و یکی از همکاران داشتم. امیدوارم بعد از این همکاران کارهای کیفی در اختیار من قرار دهند که بتوانیم بیشتر با این عزیزان در ارتباط باشیم.



رضوانی (سرگروه هنر استان)



ناصر فولادینیا

ناصر فولادینیا:
اکولوژی استان
و بافت سنتی
بوشهر و معماری
ساختمان‌های
آن برگرفته از
هنرهای اصیل
ایرانی است

اگر چشم‌انداز بحث روشن شده است از دیدگاه همکاران استفاده کنیم. البته این می‌تواند در دو بخش باشد. به‌رغم تمام کاستی‌هایی که می‌تواند باشد، در دو بخش به چشم‌اندازهای مثبت کارهای هنر پیردازیم. کاستی‌ها را درک می‌کنیم و آسیب‌هایی هم وجود دارد ولی خواهش می‌کنم همکاران ابتدا نیمه پر لیوان را ببینند. طبیعی است که در قسمت دوم می‌توانند آسیب‌ها و کاستی‌هایی را که احتمالاً هست، بیان کنند.

❁ ناصر فولادینیا (مسئول تکنولوژی)

استان بوشهر یک ساحل طولانی دارد که هم ساحل اصلی و هم جزایر را در برمی‌گیرد. بزرگ‌ترین جزیره مرجانی خلیج فارس جزیره خارک است که متعلق به این استان است. در استان جنگل‌های حراً در دریا داریم. استان ما زیبایی‌های خاص خود را دارد که می‌توانیم آن‌ها را انعکاس دهیم و

فرهنگیان در اصفهان درس خواندیم دوست دارم کلاس بچه‌ها هم همان‌طور باشد. یعنی با روی خوش با هنر روبه‌رو شوند. سفت‌وسخت نباشد که ایجاد محیط خشک کند و بچه‌ها نتوانند به خوبی خود را نشان دهند. کلاس‌ها بیشتر حالت آزاد دارد و بحث‌هایی را هم بیرون از کلاس انجام می‌دهیم. دیروز من کار قلمدان‌سازی را شروع کردم که باید حتماً بیرون از کلاس انجام شود. کارهای افشانگری و ابرو باد را که از کتاب حذف شده است، هنوز کار می‌کنم.

افشانگری چه کار خوبی بود.

فرخ‌نژاد کارهای جدیدی در ابرو باد اختراع کرده‌ایم، به شیوه‌های جدیدی کار می‌کنیم و به نتیجه‌های زیباتری رسیده‌ایم.

معلم محبوب هنر چه مؤلفه‌هایی دارد؟

فرخ‌نژاد اول باید هنرمند باشد. بارها گفته‌ام که معلم باید اطلاعات خود را به رخ دانش‌آموز بکشد. طوری نباشد که دانش‌آموز فکر کند او کم‌وکاستی دارد. اگر خودمان بتوانیم کار کنیم، دانش‌آموز خودبه‌خود از ما یاد می‌گیرد. اگر من دبیر نتوانم قلم‌نی دست بگیرم یا قلم‌نی را برای دانش‌آموز خود بتراشم، چگونه می‌توانم به او بگویم که خوشنویسی یاد بگیر؛ چون اولین کاری که خوشنویس انجام می‌دهد این است که بتواند برای خودش قلم بتراشد. وقتی کسی نتواند قلم خود را بتراشد، نمی‌تواند خوشنویسی خوبی هم ارائه دهد.

آیا هنر فقط یک درس است؟

فرخ‌نژاد درس هنر بسیار وسیع است و آن را فرادرسی به حساب می‌آورم؛ چون از روزی که به دنیا می‌آییم تا روزی که از دنیا می‌رویم، به هنر نیاز داریم. همه این را نیاز دارند. بسیاری از مردم روی درس ریاضی و علوم و دروس پایه تمرکز دارند ولی من می‌گویم باید به هنر و ورزش هم اهمیت جدی بدهیم.

به‌عنوان جمع‌بندی نکاتی را بفرمایید.

فرخ‌نژاد من علاقه دارم بچه‌ها خط ریز یاد بگیرند؛ چون ما از ابتدای زندگی با نوشتن سروکار داریم و برخی مواقع دانش‌آموز روی برگه امتحانی چیزی می‌نویسد که معلم از خواندن آن عاجز است. اگر این را به خوبی در کلاس جا بیندازیم و کار کنیم، خط بچه‌ها خوب می‌شود. خط درشت، تخصصی است و همه نمی‌توانند خوشنویس شوند

ولی خط ریز را همه باید یاد بگیرند تا هر چه را که می‌نویسند، به راحتی بتوان خوانند.
ماندگارنسب سهیلا ماندگارنسب از شهرستان تنگستان هستیم.

تجربه شما از کلاس‌های تدریس هنر چیست؟

ماندگارنسب من دوره‌ای هنرهای آوایی کار کرده‌ام در هنرهای آوایی مشکلی ندارم و دانش‌آموزان علاقه‌مندند. مدتی کار تست صدا برای بچه‌های مدرسه انجام می‌دادم. به هنرهای آوایی و نمایشی خیلی علاقه دارم.

می‌دانید که مقوله هنرهای آوایی وارد کتاب‌های درسی جدید شده است اما از آنجاکه در سال‌های دانشجویی درس هنر آوایی نداشته‌ایم، با نکته‌ای روبه‌رو شدیم و آن اینکه همکاران آمادگی تدریس هنرهای آوایی را ندارند. شما که هم علاقه و هم تجربه دارید، چه رهنمودی می‌توانید به همکاران بدهید تا آمادگی بهتری پیدا کنند؟

ماندگارنسب من کارشناس ارشد زبان‌شناسی هستیم. در دستور زبان فارسی خیلی خوب این‌ها را کار کرده‌ام. ابتدا بچه‌ها را با هنر و ادبیات آشنا می‌کنم. هجاها را در قسمت‌هایی به آن‌ها آموزش می‌دهم. مثلاً هجای کوتاه و بلند را یاد می‌دهم تا وقتی به دبیرستان می‌روند و با درس آرایه‌های ادبی مواجه می‌شوند، مشکلی از نظر فهم نداشته باشند. همین هجاها را با صدای خودم می‌خوانم. صداهای مردانه و زنانه را توضیح می‌دهم و نمونه می‌آورم. به تدریج هم تن و زنگ صداها را آموزش می‌دهم.

نمایشنامه دانش‌آموز پسند کار کرده‌اید؟

ماندگارنسب برای روز معلم نمایشنامه کار می‌کنند. من خودم نمایشنامه می‌نویسم و یکی از نمایشنامه‌هایم برای پرسش مهر به سطح کشوری رفته است. روی تلفظ و صداها هم کار می‌کنم و این خودش یک هنر است. مثلاً صدای دق‌الباب یا کوبه در که در قدیم در اصفهان وجود داشت و اهل خانه با شنیدن صدای آن می‌فهمیدند که پشت در زن است یا مرد اشاره می‌کنم. این‌ها را شروع می‌کنم که چقدر صدای نرمش‌های زنانه و مردانه روی رفتار و ترسیدن ما و اینکه بی‌تفاوت باشیم تأثیر دارد. روی هنرهای دستی دیگر هم کار می‌کنم.



عبدالله فرخ‌نژاد، دبیر هنر بوشهر



سهیلا ماندگارنسب

عبدالله فرخ‌نژاد:
اگر خودمان
بتوانیم کار
کنیم، دانش‌آموز
خودبه‌خود از ما
یاد می‌گیرد



سبحان ضرغامیان پور

سهیلا ماندگار نسب:
دانش آموزان
می گویند ما گمان
می کردیم وقتی وارد
دبیرستان شدیم،
باید در رشته‌های
نظری درس بخوانیم
ولی الان آواز را
انتخاب می کنیم

آیا بچه‌ها رغبت نشان می‌دهند؟

✳️ **ماندگار نسب** | بله. کتاب‌های درسی قبلی محدود به خوشنویسی و طراحی بود و این مباحث در آن‌ها جایی نداشت و بچه‌ها وقتی به دبیرستان می‌آمدند فکر می‌کردند رشته‌هایی غیر از رشته‌های نظری وجود ندارد. ذهنشان فقط به همین‌ها معطوف می‌شد. وقتی آوازی از استاد شجریان می‌گذارم و این را با صدای پاپ احمدوند مقایسه می‌کنم، دانش‌آموزان می‌گویند ما گمان می‌کردیم وقتی وارد دبیرستان شدیم، باید در رشته‌های نظری درس بخوانیم ولی الان آواز را انتخاب می‌کنیم؛ با اینکه در روستاهای ما این رشته‌ها نیست.

دیگری دارد، نمی‌تواند با آرامش کار هنری انجام دهد. من مجبورم بیرون کارهای دیگری انجام دهم که بتوانم در کلاس خاطر جمعی داشته باشم و بچه‌ها را علاقه‌مند کنم و آن‌ها را با هنر آشنا سازم.

علاقه‌مند کردن بچه‌ها به هنر کار بزرگی است.

✳️ **ضرغامیان پور** | سال‌های اخیر با عوض شدن کتاب فضا تلطیف‌تر شده است ولی ای‌کاش به جای بخش موسیقی که در کتاب گذاشته‌اند تئوری موسیقی را قرار می‌دادند. کتاب‌های خوبی در حوزه تئوری موسیقی داریم. کتاب استاد منصوری را می‌توانیم کار کنیم که بچه‌ها با نت‌نویسی آشنا شوند. اگر تئوری موسیقی را بدانند، خیلی در زندگی‌شان تأثیر دارد. تئوری موسیقی نوعی سواد اجتماعی است. همان‌طور که هر کسی باید ادبیات فارسی، انگلیسی و کامپیوتر بلد باشد، تئوری موسیقی هم نوعی سواد است و بچه‌ها باید آن را بلد باشند. من ۴-۵ درس را که در حوزه موسیقی در کتاب وجود دارد، در یک جلسه تمام می‌کنم. چیزی نیست که بچه‌ها در آن گم‌و‌گنج شوند. چیز خاصی نیست. ملودی و ریتم و ضربان را تعریف می‌کند.

آیا ریتم را می‌توان در یک جلسه توضیح داد؟

✳️ **ضرغامیان پور** | بله. درس‌ها ۴-۵ دقیقه‌ای هستند. ذات هنر همین است که در بحث تدریس اگر برای یادگیری به ۱۰۰ ساعت زمان نیاز باشد، ۲۰ ساعت آن آموزش و ۸۰ ساعت تمرین است. در تمام درس‌های هنری همین است. درس آموزش ریتم را بچه‌ها در پنج دقیقه یاد می‌گیرند. بچه‌های این دوره که سریع‌تر هم یاد می‌گیرند.

از ابتکارات خود در کلاس بگویید. اینکه هنرهای آوایی در کتاب گنجانده شده است کم اتفاقی نیست. قدر این نکته را باید بدانیم. تئوری را در کتاب کمک‌درسی می‌توانیم دنبال کنیم که منبع کم نداریم.

✳️ **ضرغامیان پور** | در این استان ما در حوزه نمایش غنی هستیم. ما نمایش «زار» را در مدرسه اجرا کردیم. کار در دریا، مزرعه و این منطقه بومی باعث شکل‌گیری سوزها و ادبیات خاصی شده است. در حوزه نمایش ادبیات غنی داریم که می‌توانیم از آن استفاده کنیم. در حوزه معماری هم نیاز به گفتن نیست. اگر در بافت قدیم بوشهر

✳️ **ضرغامیان پور** | من سبحان ضرغامیان پور هستم و ۱۲ سال سابقه تدریس دارم. جدا از تربیت معلم که رشته هنرهای تجسمی خواندم، لیسانس بازیگری و فوق لیسانس ادبیات نمایشی دارم. غیر از هنر هم چیزی تدریس نمی‌کنم. در دروس دیگر هم تخصصی ندارم که بخواهم تدریس کنم. تخصص اصلی من جدا از رشته تحصیلی‌ام گرافیک است. کار گرافیک می‌کنم. قبل از حرف زدن درباره کتاب هنر عرض می‌کنم به شهری آمده‌اید که بی‌اغراق در هنر پیشینه درخشانی دارد.

مصادیق را هم ذکر کنید.

✳️ **ضرغامیان پور** | بوشهر از قدیم دروازه‌ای برای ورود فرهنگ‌های مختلف به ایران بوده است. همان‌طور که می‌دانید، در عصر قاجار بندر بوشهر یکی از بزرگ‌ترین بندرهای جنوب کشور بود که هم از لحاظ تجاری و هم از لحاظ فرهنگ حائز اهمیت بود. بعدها که بوشهر مورد بی‌میلی قرار می‌گیرد، تجارت آن از رونق می‌افتد و بندرهای دیگر رونق می‌یابد. همین دوره طلایی که بوشهر داشته، باعث شکوفایی هنر این سرزمین شده است. چراکه هنر ذاتش به این است که کامل می‌شود و هیچ‌گاه ساکن نمی‌ماند. در موسیقی، معماری، حجاری و سفالگری بوشهر ردپایی از سایر کشورها می‌بینیم. در موسیقی بوشهر ما از سازهایی استفاده می‌کنیم که آفریقایی هستند و پیشینه آفریقایی دارند.

در تدریس از این ظرفیت‌ها چگونه استفاده می‌کنید؟

✳️ **ضرغامیان پور** | اگر سرمایه‌گذاری نکنید هیچ چیزی برداشت نمی‌کنید. معلمی که دغدغه

قدم برنید، سازه‌ها و ساختمان‌هایی را می‌بینید که حیرت‌انگیزند. زیبایی معماری بوشهر در کتاب هنر ما منعکس نشده است. در کتاب هیچ بخشی نداریم که بگوید شما از هنر محلی خود استفاده کنید. در آن صورت، ما سعی می‌کنیم با برگزاری کلاس در بافت قدیم و عکاسی از این بافت بچه‌ها را با آن آشنا کنیم تا بدانند ساختمان‌های ما چه بوده و الان چه شده است. اگر قرار است از بچه‌های ما کسی معمار شود، باید بتواند از این‌ها الهام بگیرد.

جمع‌بندی صحبت شما این است که با توجه به سرمایه‌های هنری که در بوشهر وجود دارد، ما روزی به این سو برویم که فصل مستقلی در کتاب درسی با عنوان هنر استان داشته باشیم.

✳️ زرغامیان پور بله، همانند جغرافیا. بحث دیگر بحث استفاده از هنرهای دیجیتال است. الان هنرهای دیجیتال و شبکه‌های مجازی فرصت‌های خوبی هستند که می‌توان از آن‌ها استفاده کرد. من به دانش‌آموزان خود اجازه می‌دهم کارهای هنری را که آموزش می‌دهیم، در حوزه دیجیتال انجام دهند. ما به سمت جهان دیجیتال می‌رویم. شاید تغییر ظاهر هنر و پوست‌اندازی هنر به همین باشد که می‌تواند قالب خود را عوض کند. استفاده از این فضا و هنرهای دیجیتال هم در کتاب هنر جایش خالی است. باید بخشی به نام هنرهای دیجیتال در کتاب باشد. اینکه بچه‌ها کار کردن با نرم‌افزارهای دیجیتالی همانند کورل، فتوشاپ و غیره را بدانند، خالی از لطف نیست.

✳️ کرمی نرگس کرمی از شهر دوبیره هستیم که ۲۰ دقیقه با بوشهر فاصله دارد. می‌خواهم چند نکته بگویم؛ چون با بچه‌های دبستان کار کرده‌ام.

یعنی دبیر تخصصی هنر نیستید.
✳️ کرمی خیر.

زمینه هنری دارید؟

✳️ کرمی بله. در داستان‌نویسی و کتاب‌خوانی و قصه‌گویی کار می‌کنم.

اگر در حوزه داستان کار کرده‌اید، بفرمایید که تأثیر نمایش را بر بچه‌ها چطور می‌بینید.

✳️ کرمی با بچه‌های منطقه خیلی از مشکلات را می‌توانیم به صورت نمایش کار کنیم.

به آن‌ها می‌گوییم نمایش همانند مهارت‌های زندگی است. در پایه ابتدایی فقط به صورت نمایش کار می‌کنیم. بچه‌ها را جمع می‌کنیم و می‌گوییم می‌خواهیم نمایشی فی‌البداهه اجرا کنیم. از آن‌ها می‌پرسیم دوست دارند چه نقشی داشته باشند. معمولاً در منطقه چون مشکلات خانوادگی زیاد است و بچه‌های طلاق زیادند بچه‌ها علاقه دارند نقش پدر و مادر و فرزند را بازی کنند. در کتاب مهارت‌های زندگی بچه‌ای که در نقش پدر یا مادر خود دعوا می‌کند، ۱۰۰ درصد این مشکلات را داشته است. به فرزندى که به جای فرزند طلاق نقش آفرینی می‌کند، راهکار می‌دهیم و می‌گوییم که چه کند. من به او می‌گویم اگر مادر و پدرت این کار را کردند، شما باید چه واکنشی نشان دهی. این درس مهارت زندگی بود و ما فقط به صورت نمایش می‌توانستیم به بچه‌های دبستان یاد دهیم که وقتی در چنین بحرانی هستند، چه باید کنند. آوردن کتاب به کلاس و قصه‌گویی برای بچه‌هایی که اصلاً کتاب نخوانده بودند، بسیار تأثیرگذار بود. وقتی کتابخانه افتتاح شد، بچه‌ها کتاب‌ها را بردند و چیزهایی نوشتند و دیدیم که برخی از بچه‌ها زمینه بسیار عجیبی برای داستان‌نویسی دارند. من تمام داستان‌های آن‌ها را جمع کرده‌ام و قرار است به صورت کتاب دریاورم؛ البته اگر مدرسه کمک کند یا از خیریه‌ها کمک بگیرم. باور نمی‌کردم که آن نوشته‌ها کار بچه‌های ما باشد؛ تا زمانی که به آن‌ها گفتم بخشی از داستان خود را در کلاس یا زنگ ورزش و هنر برای من بنویسید.

چند داستان جمع شده است؟

✳️ کرمی حدود ۷۰ داستان. تصویرگری هم کار می‌کنیم. تصویرها هم همه اسکن شده‌اند.

باید حمایت کنیم تا زمینه برای بچه‌ها، مخصوصاً بچه‌های روستا، فراهم شود و آینده آن‌ها شکل بگیرد. وقتی کیف‌سازی به بچه‌ها یاد دادیم، بچه‌ای که خیلی فقیر و محروم بود کیف‌های دست‌ساز خود را در مغازه فروخته بود و این منبع درآمدی برای او شده بود. در شهر ما خیلی از دخترخانم‌ها از مرحله راهنمایی بالاتر نمی‌روند. به همین خاطر، اگر در دوره ابتدایی به این بچه‌ها هنری یاد بدهیم، ممکن است در آینده منبع درآمد آن‌ها شود. این خوب است ولی نیاز به حمایت دارد.

✳️ خوش‌قلب سهیلا خوش‌قلب هستیم و ۲۴ سال ۴ سابقه خدمت داریم.

سبحان
زرغامیان پور:
اگر سرمایه‌گذاری
نکنید هیچ چیزی
برداشت نمی‌کنید.
معلمی که دغدغه
دیگری دارد،
نمی‌تواند با آرامش
کار هنری انجام
دهد



نرگس کریمی

نرگس کریمی:
برخی از بچه‌ها
زمینه بسیار
عجیبی برای
داستان‌نویسی
دارند. من تمام
داستان‌های
آن‌ها را جمع
کرده‌ام و قرار
است به صورت
کتاب دریاورم

دبیر تخصصی هنر هستید؟

خوش قلب بله. لیسانس هنرهای تجسمی دارم.

از تجارب خود بگویید.

خوش قلب همانند آقای فرخ‌نژاد، کلاس بسیار آزاد و راحتی دارم. چون دوست دارم درس برای بچه‌ها سخت نباشد. در پایه متوسطه اول تدریس می‌کنم و در مدرسه‌ای هستم که بیشتر بچه‌ها، بچه‌های طلاق‌اند. دوره راهنمایی و متوسطه را در مدرسه ام‌البینین شهرستان بوشهر تدریس می‌کنم که دانش‌آموزان آن از نظر مالی ضعیف‌اند. آن‌ها یا پیش پدر و یا پیش مادر زندگی می‌کنند که این هر دو مشکلات خاص خود را دارد. تا جایی که بتوانم سعی می‌کنم بچه‌ها از هیچ‌هم که شده چیزی یاد بگیرند تا برای آن‌ها کمکی باشد. طراحی روی پارچه هم با بچه‌ها کار کرده‌ام. اصل کار رنگ روی پارچه است. به بچه‌ها گفتم رنگ گواش رنگ ارزانی است و می‌توانید کار کنید و بچه‌ها کار کردند و موفق هم شدند. عکس گرفتم و از کارهای بچه‌ها عکس دارم. بچه‌ها می‌گویند حتی لکه‌ای که روی مانتوهایشان افتاده است، هر چه می‌شویند پاک نمی‌شود. رنگ را اگر با اتو تثبیت کنند به هیچ‌عنوان نمی‌رود. کلاس هنر من کلاس راحتی است و برای این بچه‌ها مثل مادر هستم.

خوش به حال بچه‌های شما؛ چون شما به حرف‌های ما گوش می‌دهید. بچه‌ها می‌گویند وقتی با مادر خود صحبت می‌کنیم، مادرمان می‌گوید حوصله حرف زدن ندارم. مادرها حوصله ندارند بشنوند. من در کلاس خود بچه‌های بیش‌فعال دارم که به هیچ‌عنوان قابل تحمل نیست ولی ما او را تحمل می‌کنیم. تازه، من هنر تدریس می‌کنم ولی شما تصور کنید دبیر ریاضی با این بچه باید چکار کند.

مورد دیگر چیست؟

خوش قلب مورد بعدی صمیمیت با دانش‌آموزان است. بچه‌ها باید با شما صمیمی باشند و بتوانند درد دل خود را به شما بگویند. شاید مشکلی داشته باشند که نتوانند آن را به مادر یا پدر خود بگویند و ممکن است انحراف پیدا کنند؛ چون کسی به درد دل آن‌ها گوش نمی‌دهد. مورد دیگر اینکه با چیزهایی که در دسترس بچه‌ها و در خانه‌هایشان هست؛ با آن‌ها کار کنیم؛ چیزهای ابتدایی و دورریختنی. البته برخی مواقع هم این چیزها دورریختنی نیستند و باید پول داد و آن‌ها را تهیه کرد. بچه‌ها با کار کردن با این چیزها سر کلاس فعالند. مورد بعدی هم همکاری مدیر و معاون مدرسه است که خیلی مهم است.

مدرسه شما کارگاه هنر دارد؟

خوش قلب خیر. کلاسی را خالی کردند و برای من فرش انداختند. در سال‌های قبل یکی از کارهای من این بود که از کارهای بچه‌ها کپی برداری می‌کردیم. به بچه‌ها می‌گفتم پشت پنجره کپی برداری کنند. امسال میز نور دخترم را سر کلاس بردم و بچه‌ها از آن استفاده می‌کنند.

خودتان را معرفی کنید.

رسولیان میترا رسولیان دبیر هنر تخصصی هستم. فوق‌دیپلم گرافیک و لیسانس ارتباط تصویری دارم.

چند سال است تدریس می‌کنید؟

رسولیان ۱۵ سال. الان در دوره متوسطه تدریس می‌کنم.

بهترین تجربه‌ای که در کلاس داشته‌اید چه بوده است؟

رسولیان بهترین تجربه من این است که در کنار دانش‌آموزان بودم و از آن‌ها خیلی چیزها یاد گرفته‌ام.

آیا از کارهای بچه‌ها نمایشگاه گذاشته‌اید؟

خوش قلب بله. نمایشگاه دهه فجر بود و عکس آن را خدمت خانم رضوانی فرستادم.

تأثیر در کلاس چگونه بود؟

خوش قلب خیلی خوب بود. حدود ۳۵-۳۰ نفر دانش‌آموز در کلاس داریم اما شاید فقط ۴ دانش‌آموز بسیار خوب و فعال باشد. الان دانش‌آموز پایه نهم دارم که کارش عالی است اما می‌گوید مادرم گفته است باید به رشته تجربی بروی. بعدها می‌توانی هنر را ادامه دهی. برخی از خانواده‌ها این‌گونه‌اند.

تجربه‌های خود را در سه محور خلاصه کنید و بگویید.

خوش قلب اینکه اول باید بچه‌ها را درک کرد.

چطور؟

خوش قلب به درد دل‌های دانش‌آموز باید گوش داد. دانش‌آموزی داشتیم که به من می‌گفت



سهیلا خوش قلب

سهیلا
خوش قلب:
کلاس هنر من
کلاس راحتی
است و برای این
بچه‌ها مثل مادر
هستم

فوق دیپلم هنر دارم و در مرکز شهید شرافت تهران درس خوانده‌ام. شروع کار من از سال ۷۲ بود و الان معلم مدرسه شاهد دخترانه هستم. طبق تجربه‌ای که من در این ۲۴ سال به دست آورده‌ام، اگر بخواهیم دانش‌آموزان علاقه‌مند شوند، باید محتوای درس را جذاب و کاربردی کنیم. اغلب، بچه‌ها از ما می‌پرسند نقاشی کشیدن، به درد چه می‌خورد یا چه کاربردی دارد. حتی کاربرد خط را می‌پرسند. خودشان به این فکر نمی‌کنند که این خط چقدر در زندگی آن‌ها به درد می‌خورد. به دانش‌آموز می‌گوییم از همان ابتدا که سر کلاس می‌روید و الفبا یاد می‌گیرید، به نوشتن نیاز دارید و خط در زندگی‌تان تأثیر دارد. در هر رشته‌ای که درس بخوانید و هر شغلی را انتخاب کنید، خط اصلی‌ترین نقطه است و هر کس که خط خوبی نداشته باشد، مسلماً به مشکل برمی‌خورد. برای بچه‌ها توضیح می‌دهم که خط درشت و ریز چه کاربردهایی دارد. به همین علت در مدرسه ساعتی را که می‌خواهیم خط کار کنیم، به خط تحریری اختصاص می‌دهیم. این ایراد از طرف مدرسه است که با توجه به اینکه من در مدرسه خاص هستم، چند سال است چانه می‌زنم که کارگاه یا فضای کوچکی را تحت عنوان «کارگاه هنر» به من بدهند ولی این اقدام صورت نگرفته است. همین برای من معضل است.

در این زمینه چکار کردید؟

تمجیدی هیچ کاری نتوانستم بکنم. از اول مهر با دانش‌آموزان کلی کار انجام دادم؛ کار روی کوزه و سفال و غیره. حتی کار روی برگهٔ آچار بود. این امکان برای من وجود ندارد که از کارهای ۳۰۰ دانش‌آموز حداقل ۵۰ کار خوب برای نمایش در فضایی بگذارم. در مدرسه هم فضا ندارم. من از اول مهر بسیار زحمت کشیدم و کار کردم و قرار بود برای دههٔ فجر کارگاه و نمایشگاهی ترتیب دهیم. از قبل از بهمن‌ماه خیلی فشار آوردم و حتی وعدهٔ نمره به دانش‌آموزان دادم که کارها را ارائه دهند. چون کارگاه نداشتیم، به آن‌ها گفته بودم کاری که انجام داده‌اند، به خانه ببرند و وقتی که گفتم برای من بیاورند. به نظر من نداشتن کارگاه برای دبیر هنر یک معضل است. اگر من فضا داشتم همان زمان که کار خود را انجام می‌دادم کار را گوشهٔ کارگاه می‌گذاشتم و هر زمان که نیاز داشتم، بدون التماس به دانش‌آموز از آن استفاده می‌کردم. دانش‌آموز هم ترس این را نداشت که کار را به او بازنگردانم. نکتهٔ دیگر اینکه هنرستان‌های ما

این اتفاق چطور می‌افتد؟

رسولیان وقتی سر کلاس توضیحاتی می‌دهم و بچه‌ها کار می‌کنند، ابتدا خیلی سخت است و می‌گویند نمی‌توانیم. اوایل روی این نکته پافشاری داشتند که نمی‌توانند، و زحمت فکر کردن هم به خود نمی‌دادند اما با سخت‌گیری‌هایی که می‌کنم، فکر بچه‌ها را در این مسیر قرار می‌دهم. به آن‌ها می‌گویم کار کنند و تأمل کنند و خودم هم به آن‌ها کمک می‌کنم. از بچه‌ها می‌خواهم کار را شروع کنند و بعد آن را انجام دهند. ما طراحی‌های متعددی داشتیم. مرتب طرح می‌زدند و من ایراد می‌گرفتم با اینکه خسته می‌شدند و می‌گفتند نمی‌توانیم. من به بچه‌ها سه جلسه فرصت می‌دادم که کارشان را تمام کنند. دانش‌آموز تا راه بیفتد و به مرحله‌ای قابل قبول برسد، زمان می‌برد. از کارها و ایده‌هایی که داشتند استفاده می‌کردم. دانش‌آموزی فکری داشت و روی کاغذ می‌آورد و من آن را اصلاح می‌کردم. این یادگیری در کنار دانش‌آموز بود. بهترین زمان برای من زمانی بود که سر کلاس به بچه‌ها آموزش می‌دادم.

معلمی تنها تعلیم نیست بلکه تعلیم و تعلم است.

رسولیان در فرایند معلمی باید تعلیم و تعلم همراه با هم باشد. من در این چند سالی که درس دادم به این نتیجه رسیدم که اگر در مدرسه، دانش‌آموزی اطلاعاتش از معلم بیشتر باشد برای معلم فاجعه است. برای من به‌عنوان معلم بد است که دانش‌آموزم اطلاعاتش از من بیشتر باشد. نه اینکه دانش‌آموز اطلاعات زیاد داشته باشد بد است؛ اینکه اطلاعات من در سطحی باشد که دانش‌آموز به آن برسد بد است. در عصر حاضر، بدون نیاز به مدرسه رفتن حتی تا دکترا هم می‌شود پیش بروید. با جست‌وجو در اینترنت، هر چه بخواهید به شما ارائه می‌شود اما به هر حال، اگر روزی برسد که دانش‌آموز ما اطلاعاتش از ما بیشتر باشد، به‌شدت به مشکل برمی‌خوریم.

در هنر؟

رسولیان حتی در هنر! کسی که هنر تدریس می‌کند، از تجربه کمک می‌گیرد اما به هر حال، او هم باید به‌روز باشد. در همهٔ رشته‌های هنری باید چنین باشد. نمی‌توانیم بگوییم همهٔ معلمان هنر باید هم عکاس و هم نمایشنامه‌نویس و هم گرافیست و هم خوشنویس باشند. خیلی سخت است.

تمجیدی طیبه تمجیدی هستم و



میترا رسولیان

میترا رسولیان:
اگر روزی برسد
که دانش آموز
ما اطلاعاتش
از ما بیشتر
باشد، به شدت
به مشکل
برمیخوریم

کارگاه‌های مجهزی دارند. خوب است امکانی فراهم شود که دوره ابتدایی که این امکان را ندارد، حداقل از فضای آن‌ها استفاده کند.

چطور؟

✳️ تمجیدی مثلاً ما به کارگاه هنرستان‌ها برویم و کار کنیم و از فضای آن‌ها استفاده کنیم. کار کردن در فضای کلاس معمولی خیلی سخت است و مدیر همواره تذکر نگهداری وسایل و نیمکت و تخته را می‌دهد.

کتاب‌ها که تغییر کرد چه تأثیری بر کار شما داشت؟

✳️ تمجیدی به نظر من، با تغییراتی که در کتاب ایجاد شده است، بچه‌ها باید از تخیلات و ذهن خود بیشتر استفاده کنند. متأسفانه بچه‌ها درگیر این مسئله‌اند که طرحی جلوی روی خود داشته باشند. اگر از من هم بخواهند یک چیز ذهنی را تصویر کنم، نمی‌توانم و به همین علت نمی‌توانم به دانش‌آموز خود فشار بیاورم که در این زمینه کار کند و کاری به من تحویل دهد. متأسفانه ذهن بچه‌ها قدری راکد مانده است.

پس به نظر شما، بچه‌ها برای مفاهیم انتزاعی موجود در کتاب امکان شکوفایی لازم را ندارند. آزادی در شکوفایی نقطه مقابل صحبت شما نیست؟

✳️ تمجیدی آزادی از نظر دوستان این است که در کلاس راحت باشند و محدود به نشستن پشت نیمکت نباشند. در کلاس من همچنین است و حتی دانش‌آموز می‌تواند به بیرون از کلاس برود و کار کند. روی زمین موقت پهن کند و بنشیند. حتی حین کار چیزی بخورد. آزادی از این نظر است.

به اعتقاد شما مدل باید جلوی بچه‌ها باشد.

✳️ تمجیدی بیشتر بچه‌ها این طور کار می‌کنند. در یک کلاس ۳۰ نفره شاید یک دو نفر چنین نباشند. به نظر من اگر بتوانیم از ظرفیت‌های بومی شهرها استفاده کنیم و بچه‌ها را درگیر کنیم، خیلی بهتر است. ساحل به این زیبایی داریم و می‌توانیم در آنجا کلاس برگزار کنیم. بحث من در باره مدرسه خودم به‌تنهایی نیست. باید امکانی فراهم شود تا مدارسی که از نظر مالی ضعیف‌اند سرویس داشته باشند و در هر هفته یا ماه یک بار دانش‌آموزان را در فضای آزاد قرار دهند. در کتاب آمده است که بچه‌ها را به فضای آزاد ببریم و بچه‌ها

با دیدن مناظر طبیعی آن‌ها را روی کاغذ بیاورند؛ در صورتی که ۹۰ درصد مدارس ما نمی‌توانند این امکان را برای دانش‌آموز فراهم کنند.

جای این در سیاست‌گذاری از بالاست یا باید در این محیط چنین اتفاقی رخ دهد؟
✳️ تمجیدی من در مدرسه خود چنین مشکلی ندارم و هر وقت اراده کرده‌ام بچه‌ها را برده‌ام. مشکل بقیه همکاران را گفتم.

✳️ کرمی چرا تدوین کتاب هنر را از پایه دبستان در نظر نمی‌گیریم؟ خیلی مواقع ما معلمان باید دنبال این برویم که ببینم زمینه‌های هنری چیست و آن‌ها را در اختیار بچه‌ها قرار دهیم. چرا کتابی نباشد که من به‌عنوان معلم بخوانم و به بچه‌ها بگویم که این چرم است، این معرق است و این خوشنویسی است. در بچه‌ها این زمینه باشد و وسایل معرفی شده باشند و حداقل معلم بداند وسایل این است و شیوه ابتدایی را بتواند به بچه‌ها بگوید و حالا هر دانش‌آموزی بنا به توانایی و استعداد و زمینه خود کار کند. آیا معرفی و خلاقیت در دوره دبستان نباید باشد؟

دوستان به خاطر دارند که قبلاً کتاب داشتیم.

✳️ کرمی الان در پایه دبستان کتاب هنر نداریم.

کتاب هنر نداریم ولی درس هنر و کتاب معلم داریم.

✳️ کرمی بله. دو ساعت برای درس هنر داریم که زمان کمی است. دو تا ۴۵ دقیقه در هفته است.

✳️ قهرمانی سعیده قهرمانی، کارشناس ارشد شیمی هستم و کار و فناوری هنر را در دوره متوسطه اول تدریس می‌کنم. شش ساعت تدریس دارم.

رشته مورد علاقه شما چه بود که به هنر گرایش پیدا کردید؟

✳️ قهرمانی هنر امری ذاتی است و همه انسان‌ها به خاطر زیبایی به آن علاقه دارند. من قبلاً هنرهای آوایی کار کرده‌ام و چون آموزش‌وپرورش هم دبیر تخصصی نداشت و پیشنهاد دادند، قبول کردم. کتاب‌های جدید خوشبختانه هم متنوع و هم جذاب‌اند و همانند



طیبه تمجیدی

طیبه تمجیدی: به نظر من نداشتن کارگاه برای دبیر هنر یک معضل است. اگر من فضا داشتیم همان زمان که کار خود را انجام می‌دادم کار را گوشه کارگاه می‌گذاشتم و هر زمان که نیاز داشتم، بدون التماس به دانش آموز از آن استفاده می‌کردم

یک اتاق خالی باشد که کارهای خود را در آنجا انجام دهیم و بچینیم، خیلی عالی می‌شود.

تأکید شما هم روی ایجاد کارگاه هنر است!
قهرمانی بله.

سؤال من این است که آیا در مدرسه اتاقی برای این کار ندارید؟

قهرمانی خیر. چندین بار به مدیر و رئیس آموزش و پرورش گفتم که مدارس حیاط بزرگ دارند ولی یک اتاق برای این کار ندارند. جایی قفسه‌بندی شود تا بچه‌ها کارهای خود را بچینند و این خیلی کمک‌کننده است.

جاسمیان سمیه جاسمیان از دبستان امید انقلاب بوشهر هستم و مهندسی برق خوانده‌ام. هنر موضوعی تقریباً شخصی است که آن را دوست داشتم. دوره عکاسی را خدمت استاد اسفندی گذرانده‌ام. با تئاتر و طراحی تا حدودی آشنایی داشتم و با شاگردان کار کردم. هر کاری انجام داده‌ام، مبتنی بر علاقه شخصی بوده است. درس‌های تخصصی همانند ریاضی و علوم را در دبستان تدریس می‌کنم. ولی به دلیل علاقه شخصی، ساعت‌های هنر را هم گرفته‌ام. در دوره ابتدایی برای هنر هیچ مرجع و منبع خاصی وجود ندارد. بچه‌ها هم هیچ علاقه‌ای ندارند و کاملاً در اختیار خود معلم است. دو تا ۴۵ دقیقه هنر داریم. خودم طراحی کار می‌کنم. مشکلی که دوره ابتدایی با آن مواجه شده، امتحان‌های تیزهوشان و نمونه است. در مدرسه شاهد که خروجی خوبی می‌خواهد، خانواده‌ها درخواست می‌کنند که زنگ‌های هنر گرفته شود و درس‌هایی مانند ریاضی و علوم و تست با بچه‌ها کار شود. این موضوع بسیار آزاردهنده است و ما هر کاری می‌کنیم تا شاگرد علاقه‌مند شود، بی‌توفیقیم. با این روش‌ها دانش‌آموزان نسبت به هنر بی‌انگیزه شده‌اند. وقتی در کلاس می‌گویم امروز نقاشی آزاد است یا مثلاً درباره موضوعی نقاشی بکشید، اغلب شاکی می‌شوند؛ چون فرهنگ‌سازی نشده است و خانواده‌ها اهمیت نداده‌اند یا امکانات در اختیار نداشته‌ایم که بستر را فراهم کنیم تا شاگرد انتخاب کند. من جزء مدرسان ریاضی کشوری هستم و خیلی روی درس‌ورزی در دوره ابتدایی کار کرده‌ام. من این دو درس را تلفیق کرده‌ام؛ یعنی زمانی که می‌خواستم سطح و حجم یا مترمکعب را تدریس

قبل فقط طراحی و خوشنویسی و نقاشی نیستند و همین باعث تمایل بیشتر می‌شود. در بحث هنرهای آوایی با بچه‌های مدرسه تمپونوازی کار کردیم. این ساز را که ساز محلی منطقه است، به صورت گروهی و همخوانی کار کردیم. بچه‌ها شعرها و سرودهای محلی را خواندند و علاقه نشان دادند. خودم در قسمت مقاله‌نویسی کار می‌کنم و مقالات هنری هم می‌نویسم که نمونه‌های آن در سایت‌های استان همانند سایت سوک و روزنامه بامداد جنوب درج شده است. با بچه‌ها سرود و نمایشنامه کار می‌کنم. نقاشی روی سفال و سفالگری و نقاشی روی کوزه داریم. یکی از موارد جالب توجه این بود که مثلاً یکی از بچه‌ها از استعداد خود خبر نداشت و وقتی نقاشی روی کوزه کار کردیم، استعداد او شکوفا شد و فهمید در این زمینه تواناست. خیلی از مغازه‌ها و شهرها در ایام عید تعطیل است ولی استان بوشهر مهمان زیاد دارد. من خودم در منطقه ساحلی دلوار هستم. آنجا هم به دلیل تاریخی و هم به خاطر ساحل زیبا مهمانان زیادی دارد. دانش‌آموزی که من سال گذشته با او نقاشی روی کوزه کار کردم و کارش هم زیبا بود، بسیاری از کارهای خود را به بچه‌های مدرسه فروخت. حتی تصمیم گرفت کارهایش را در یکی از غرفه‌های نوروزی ساحل دلوار عرضه کند. امسال هم نمایشگاه داشتیم و او کارهایش را برای فروش آورده بود. خود او هم علاقه‌مند شد و این کار را انجام می‌داد و از اینکه به خاطر درس هنر این توانایی خود را شناخته است، تشکر می‌کرد. این برای من خیلی خوشایند بود. خودم گلیمچه‌بافی و فرش قبالا کار می‌کردم. این مربوط به قبل از ورود به دانشگاه است. عکاسی هم با بچه‌ها کار می‌کنم. آن‌ها روی دیوار مدرسه طرح‌های مختلف می‌کشند. دیوار مهربانی هم درست کردند. چون نمی‌توانستند روی دیوار مهربانی چیزی بگذارند قرار شد وسایلی را که بچه‌ها در مدرسه جا می‌گذارند یا گم می‌کنند، به آنجا ببرند. قسمتی را برای این کار درست کردند. بحث علاقه‌مندی اگر از دوره ابتدایی کار شود، خیلی خوب است.

در شهر دلوار دبیر تخصصی هنر دارید؟

قهرمانی اصلاً نداریم. مدرسه چون بودجه ندارد، با اینکه بزرگ است و حیاط بزرگی دارد نمی‌تواند مکانی را برای درس هنر آماده کند، مگر اینکه خیرین در این زمینه اقدام کنند. اگر فقط

بچه‌ها مقام هم آوردند. من به کار هنر علاقه دارم و وجدانی کار می‌کنم. علاقه شخصی من است. تأکید می‌شود که معلمان هنر زنگ هنر را به درس‌های دیگر ندهند ولی در عمل چیز دیگری می‌بینیم.

✳️ معمار بیتا معمار هستم. ۲۳ سال سابقه تدریس دارم؛ همراه با دو سال آموزش دوره تربیت معلم که در مرکز شرافت گذرانده‌ام. دو سال هم در دانشگاه فرهنگیان بوشهر بوده‌ام. رشته من هنرهای تجسمی است. در سال ۷۵ از مرکز شهید شرافت فارغ‌التحصیل شدم. از استادانم صادق زاده و کشاورز بوده‌اند. من مدرسه‌های راضیه و فرزنانگان تدریس می‌کنم.

از تجارب خود در کلاس بگویید.

✳️ معمار یکی از تجربه‌های من این است که سال گذشته در یکی از مدارس ضعیف بودم که از نظر امکانات محروم بودند و شاید بسیاری از همکاران همچنین تجربه‌ای داشته باشند. ما هر روز موقت در دست داشتیم و سایه پیدا می‌کردیم تا دانش‌آموزان بتوانند روزی زمین بنشینند، چراکه کلاس‌ها کوچک بودند و تعداد دانش‌آموزان زیاد. بیشترین غذایی که من از ساعت هنر می‌کشم، تعداد زیاد دانش‌آموزان است. نمی‌توانم به دانش‌آموزان آن‌طور که باید رسیدگی کنم. امسال کلاسی دارم که ۳۸ دانش‌آموز دارد.

از شیوه گروه‌بندی استفاده نمی‌کنید؟

✳️ معمار جوابگو نیست؛ زیرا بحث بین بچه‌ها زیاد است. در هنر باید به تک‌تک دانش‌آموزان رسیدگی کنیم تا نتیجه مطلوب را بگیریم. کار به صورت گروهی کمتر نتیجه می‌دهد. تجربه خوب من در سال گذشته، که با آن توانستم بچه‌ها را خیلی علاقه‌مند کنم، بازدید از هنرستان بود؛ هنرستانی که در منطقه مدرسه واقع شده بود. یعنی فاصله زیادی با محل سکونت بچه‌ها نداشت.

هنرستان چه ویژگی‌هایی داشت؟

✳️ معمار یک روز کلاس را در هنرستان تشکیل دادیم؛ چون من در هنرستان هم تدریس کرده بودم. گرافیک تدریس می‌کردم و با کارکنان هنرستان آشنایی داشتم. یک روز کارگاه هنر را با بچه‌ها در هنرستان تشکیل دادیم و آن‌ها این

کنم، بچه‌ها یونولیت یک متری را به کلاس آوردند و این را ساختند و داخل آن رفتند. مثلاً تفکیک کردن سطح و حجم و انجام محاسبات ریاضی را با هنر تلفیق کردم. از ریاضی شروع کردم که خانواده‌ها خیلی به آن اهمیت می‌دهند. طوری شده است که نه تنها دیگر بچه‌ها از ریاضی فراری نیستند بلکه مبحث به مبحث خودشان شکل‌ها را می‌سازند. این کارها را برای گرایش بچه‌ها به سمت هنر انجام دادم. کاش هنر هم درسی بود که به آن بیشتر رسیدگی می‌شد. مثلاً می‌پرسیدند شما در زنگ هنر چه کاری انجام می‌دهید. منظورم در دبستان است. در هنرستان و دبیرستان تخصصی کار می‌شود و نمایشگاه‌ها و کارگاه‌ها جداس است. مثلاً من مکانی ندارم که دست‌ورزی‌های شاگردانم را بگذارم؛ اینکه یک هفته قبل از عید یک کارگاه از دست‌ورزی بچه‌ها تشکیل دهم تا از اداره دعوت کنم بیایند و این کارها را ببینند. چون دست‌ورزی چیزی است که بچه‌ها راحت‌تر می‌توانند از طریق آن ارتباط برقرار کنند و در جریان آن از هنر هم استفاده کنند و هم خانواده‌ها که اصرار دارند حتماً تیزهوشان قبول شوند. طوری می‌شود که من مجبور می‌شوم حتی روزهای تعطیل خود را کلاس بگذارم. موضوعات تخصصی از سوی اداره و سرگروه‌های آموزشی پیگیری می‌شود ولی به هنر اهمیت داده نمی‌شود. حتی خود اولیا می‌خواهند هنر را حذف کنند و در ساعت هنر، درس دیگری کار شود. تمرکز از هنر برداشته شده است و به آن ارزش داده نمی‌شود.

دبیر هنری در یکی از شهرها می‌گفت مدیر و معاون مدرسه هر کاری کنند نمی‌توانند ده دقیقه از زمان کلاس مرا بگیرند.

✳️ جاسمیان همکاری به نام خانم دبیری داشتیم که فکر می‌کنم الان یزد هستند. روز اول که آمدند آشنایی نداشتند و می‌گفتند به هیچ‌عنوان یک دقیقه از کلاس خود را هم به معلمان دیگر نمی‌دهم. کسی که تخصصی ندارد و درس هنر تدریس می‌کند، خیلی راحت زمان خود را به معلمان دیگر می‌دهد.

من ریاضی و علوم و فارسی ابتدایی را کار می‌کنم. هنرها را به من دادند. من به هنر علاقه شخصی دارم. با بچه‌ها تئاتر کار کردم و هزینه چندان هم نداشت. نقش گاو را به این صورت درست کردم که لباس سفید تن بچه‌ها کردم و با مقوا روی آن لباس خال‌های قهوه‌ای گذاشتم.



سعیده قهرمانی



بیتا معمار

سعیده قهرمانی:
یکی از موارد جالب توجه این بود که مثلاً یکی از بچه‌ها از استعداد خود خبر نداشت و وقتی نقاشی روی کوزه کار کردیم، استعداد او شکوفا شد و زمینه تواناست



سمیه جاسمیان

سمیه جاسمیان:
من این دو درس
(ریاضی و هنر)
را تلفیق کرده‌ام؛
یعنی زمانی که
می‌خواستم
سطح و حجم
یا مترمکعب را
تدریس کنم،
بچه‌های یونولیت
یک متری را به
کلاس آوردند و
این را ساختند و
داخل آن رفتند

می‌گویم همان میزان که برای ریاضی و زبان هزینه می‌کنید، برای هنر هم هزینه کنید و دبیر تخصصی بگیرید. در شهر تنگستان کسانی هستند که گرافیک خوانده‌اند اما وارد آموزش و پرورش نشده‌اند. اگر به این‌ها پیشنهاد داده شود، با دریافتی کم هم قانع‌اند و کار می‌کنند. در ۶ ساعت درس هنر را که معلم علوم به کلاس هنر می‌رود و برگه‌های امتحانی‌اش را تصحیح می‌کند، این نیروها مشغول شوند. برخی از مدارس این کار را کردند و موفق هم بودند. نکته اصلی که می‌خواستیم بگویم این است که من دبیر زبان هستم و کتاب‌ها اغلب سی‌دی دارند. هنر درسی کارگاهی است و هر چه دبیر مسلط‌تر باشد، بهتر است. در خیلی از مدارس، دبیران از کتاب هنر استفاده نمی‌کنند و کتاب‌ها نو می‌ماند. اگر کتاب سی‌دی داشته باشد، بهتر است. اگر سازمان تألیف کتب درسی سی‌دی تهیه کند، خیلی بهتر است. من خوشنویسی را دوست دارم ولی خوشنویسی‌ام خوب نیست. سر کلاس خوشنویسی هم مطمئنم بچه‌ها لذتی نمی‌برند؛ چون من خودم مشکل دارم و مهارتی ندارم. حداقل آموزش یکی از استادان که خیلی خوب کار کرده است در سی‌دی آموزشی باشد. در صورتی که ما نمی‌توانیم بچه‌ها را به کارگاه‌های سفالگری ببریم یا امکانات نداریم، بچه‌ها با دیدن سی‌دی‌ها علاقه‌مند می‌شوند.

رضوانی از همکاران ممنونم و خیلی خوشحالم که این دغدغه‌ای برای همه است.

عرض پایانی من این است که مجله رشد آموزش هنر مجله خود شماست. لذا اگر همکاران تجربه دارند، تجربه‌های خود را بنویسند. ما می‌توانیم از پژوهش‌های شما استفاده کنیم. کسانی که پایان‌نامه دارند یا درس پژوهی انجام می‌دهند ارائه کنند. درس پژوهی مقوله تازه‌ای است و می‌توانیم در جریان تدریس، پژوهش هم انجام دهیم. امیدوارم این نشست مطلع پیوند نزدیک‌تر مجله با آثار همکاران باشد و هر کدام از دبیران هنر سفیر این مجله باشند. خودتان قلم‌زن و عضو هیئت تحریریه باشید. برای اشتراک بخشنامه‌ای به مدارس ارسال فرمایید تا آبونمان شوند و استفاده کنند. این مجله بال کمک آموزشی برای همه دبیران است.

را تجربه کردند. خیلی برای من جالب بود که اول مهر، از همان کلاس‌هایی که آن‌ها را برای بازدید برده بودم، دانش‌آموزان زرنگ به رشته‌های هنر و حتی کاردانش و فنی و حرفه‌ای گرایش پیدا کرده بودند.

به‌گونه‌ای آینده آن‌ها را ترسیم کردید.

معمار دقیقاً. در سال‌های قبل والدین دانش‌آموزان از هزینه زیاد وسایل گله می‌کردند اما سال گذشته این مشکل را نداشتیم. خیلی همکاری می‌کردند؛ چون این تجربه بازدید از هنرستان را داشتند. امسال که به هنرستان می‌رفتم، بچه‌ها می‌گفتند سال گذشته ما را به هنرستان آوردید و بازدید کردیم و به‌رغم اصرار خانواده‌ها بر رشته‌های نظری، ما هنر را انتخاب کردیم و نمی‌دانستیم این‌همه استعداد داریم؛ یعنی استعداد خود را در رشته هنری کشف کردند.

خانم معمار، لطفاً فرمایش‌های خود را جمع‌بندی کنید.

معمار گله من از نبود کارگاه هنر است.

با اینکه در مدرسه خاص هستید، کارگاه ندارید؟

معمار بله؛ هنرستان بزرگ است اما برای هنر کارگاه ندارد. همه مدارس برای کار و فناوری کارگاه دارند. سال گذشته من از نمازخانه یکی از مدارس استفاده می‌کردم اما از هفته دوم یا سوم مدیر اجازه استفاده نداد. بچه‌ها رنگ را روی فرش ریخته بودند و تا ۴۰۰ هزار تومان هزینه روی دست مدرسه گذاشته بودند. برای ما کار به رنگ هم نکشید. بچه‌ها بعد از کلاس، جارو می‌کردند ولی گفتند چون برای کار و فناوری هم کارگاه نداریم، گله می‌کنند که چرا نمازخانه را در اختیار شما قرار داده‌ایم اما برای آن‌ها اجازه استفاده نیست. گفتند از حیاط استفاده کنید. کار به آخر سال که کشید، همان حیاط را هم از ما گرفتند. گفتند بچه‌ها به حیاط هم نیایند و در همان کلاس باشند. این تجربه سال گذشته است. امسال از همان کلاس استفاده می‌کنیم.

کار شما مبنی بر بازدید بچه‌ها به نظرم ایده نوبی است که باید تداوم داشته باشد.

ماندگارنسب من برای بازدید به مدارس می‌روم. به مدرسی که نیروی تخصصی ندارند